



## دیدار آزادگان، مسؤولان بنیاد مستضعفان و جانبازان و وزارت آموزش و پرورش - 7 شهریور / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور عزیزان ازبندرسته و آزادگان سربلند و افتخارآفرینان در این جمع انبوه و در کنار خانواده‌های معظم شهدای عالی‌قدر و جانبازان و مفقودان و کارگزاران مختلف کشور، به همی ما و همی قشرهای مختلف ملتمان، این حقیقت را به‌طور روشن می‌فهماند که صبر و مقاومت و ایثار و جانبازی و فداکاری در راه خدا - که در درجه‌ی اول، شهدای عالی‌قدر ما و در درجه‌ی بعد، اسرا و جانبازان و خانواده‌های این عزیزان و خانواده‌هایی که عزیزانشان مفقودالآثر هستند، به آن مفتخرند - ثمرات شیرینی دارد که یکی از آنها همین است که ما در یک مجمع، این عزیزانمان و این یوسف‌های ملت ایران را که سالیان درازی از ما دور بودند، با احساس پیروزی و افتخار و با رضایت از لطف خداوندی، در کنار قشرهای دیگر می‌بینیم.

این نکته را همی ما - چه مسؤولان و چه آحاد مردم - باید به یاد داشته باشیم که تنها تکیه‌گاه یک ملت بزرگ و مبارز و موحد، یاد خدا و توکل به خدا و اعتماد به خداست. این، ما را پیش برد، پیروز کرد و به این جا رساند. اگر ملت دیگری به جای ما بود و همی شرایط ما را می‌داشت؛ با این همه دشمن، با آن محاصره، با تحمیل جنگی هشت‌ساله، با ایجاد گرفتاری‌هایی مختلف از داخل و خارج، با تهاجم تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی، تهاجم مالی، تهاجم پولی، تهاجم نظامی و با سابقه‌ی فساد چنددهساله، بلکه چندصدساله‌ی که بر او تحمیل کرده بودند، منتها منهای ایمان و منهای خدا، یقیناً آن ملت طاقت نمی‌آورد و به این جا نمی‌رسید و در نیمه‌ی راه به زانو درمی‌آمد و نمی‌توانست پرچم پیروزی را مثل ما که امروز بر بام عالم برافراشته‌ایم و افتخار می‌کنیم، بیفزاید.

این که دشمنان خدا - امریکا و استکبار و در برهه‌ی شرق و غرب با هم و ارتجاع و دیگران - این طور دست‌به‌یکی کردند و به ما حمله کردند، به خاطر همین بود که محاسباتشان، از عنصر توکل و ایمان به خدا خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند. با این حساب، باید بگوییم که آنها از یک جهت درست فهمیده بودند. واقعا اگر ملت ما ایمان به خدا، و اتصال به مبدأ ربوبی و غیب را نداشت، همانی که آنها خواسته بودند، می‌شد؛ یعنی انقلاب شکست می‌خورد، ملت عقب‌نشینی می‌کرد، پرچمداران مبارزه، سرکوب و شرمنده و سرافکنده می‌شدند و همی مبارزان سرتاسر عالم، عقب‌نشینی می‌کردند. اگر خدا در بین نبود، قضیه غیر از این نبود. این جای قضیه را استکبار اشتباه کرد و باز هم می‌کند. ملتی که به خدا متکی و معتقد باشد و حقیقتاً اعتماد به خدا در قلب او باشد، شکست‌ناپذیر است و هیچ چیز نمی‌تواند او را به عقب‌نشینی وادار کند.

از شعار و حماسه و خشنودی از آنچه که گذشت، یک لحظه خارج بشویم، ببینیم تکلیف ما چیست. تکلیف یک‌یک ما این است که این ارتباط و پیوند با خدا را حفظ کنیم و هرگز آن را قطع نکنیم. ارتباط یک‌یک ما با خدا به این است که عمل و قلب و اخلاق و رفتار خود را طبق پسند و رضای الهی قرار بدهیم، از خودخواهی و دروغ و تهمت و فریب و حاکم کردن نفس و خواهش‌های نفسانی بر زندگی خود پرهیز کنیم، یاد و ذکر خدا و توجه و اتصال حقیقی به او و مبارزه‌ی با نفس و عبادت واقعی را روزبه‌روز در عمل شخصی و فردی خودمان تقویت کنیم. این، وظیفه‌ی یکایک ماست.

وظیفه‌ی جمعی ما به عنوان یک جامعه و یک نظام و یک دولت و یک حکومت، این است که احکام الهی - قانون بر اساس دین خدا - را در سطح جامعه، معیار و ملاک عمل عمومی قرار بدهیم؛ همچنان که مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ما، بحمدالله این مسؤولیت را داشته‌اند و همیشه هم رعایت شده است.

دولت، در خط دین خداست. همی کارگزاران دولتی، در سایه‌ی دین و دستورات الهی هستند. همین برادران امور تربیتی که در این جا هستند، تربیت بر اساس دین و معیارهای آن را برنامه‌ی خودشان قرار بدهند و کوچکترین



کوتاهی و سستی در این راه را روا ندارند. برادرانی که در دستگاه بانکی کشور مشغول کار و خدمت هستند، تکلیفشان را بر اساس تفکر اسلامی و دینی دنبال کنند و انجام بدهند. مسؤولان و کارگزاران دستگاههای مختلف دولتی، در برخورد و مواجهه با مردم، با اخلاق اسلامی برخورد کنند.

بانکداری اسلامی - پول را در جامعه به شکل اسلامی مطرح کردن و داد و ستد کردن - مسأله‌ی بسیار مهمی است. اگر بتوانیم این حقیقت را به معنای جامع کلمه در جامعه به وجود بیاوریم، فتح عظیمی در دنیا خواهد بود. فتح، فقط فتح قلعه‌ها و سنگرها نیست. اگر کارگزاران دستگاه بانکی بتوانند این را به معنای جامع و کامل مسأله اجرا و پیاده کنند، بزرگترین سنگر اقتصادی امروز دنیاست. خصوصیت بانکداری اسلامی و از لوازم آن، دادوستد پول بر اساس غیر ربا، تنظیم مبادلات پولی بر اساس قوانین اسلامی و معاملات اسلامی صحیح است، که در آنها ظلم و استثمار و کنز و تبعیض و اختلاف طبقاتی و امثال اینها به وجود نمی‌آید.

دانشمندانی هم که اهل تحقیق هستند و جمعی از آنها به مناسبتی در این مجلس تشریف دارند، تحقیق علمی را به معنای واقعی کلمه، برای رسیدن به حقایق نامکشوف دنبال کنند. تحقیق، یعنی کاویدن، کاوش، تلاش کردن برای رسیدن به چیزی که تا به حال به آن دسترسی پیدا نشده است. این محقق، در مسایل طبیعی و علمی و فلسفی و مسایل مربوط به جهان خارجی و واقعی یا مسایل مربوط به انسان و تاریخ و غیره تحقیق می‌کند. این محقق، در مقابل چه چیزی تحقیق می‌کند؟ چه می‌گیرد و تحقیق می‌کند؟ جواب این است که محقق تحقیق می‌کند، تا به حقیقت برسد. پاداش او، این است. پول، مال و حتی تشویق، پاداش محقق نیست؛ در مقابل تحقیق او کوچک است. البته باید اینها نثار بشود، پولها باید خرج بشود، کارها باید انجام گیرد، تسهیلات باید فراهم بشود، تا تحقیق انجام بگیرد؛ اما اینها هیچ کدام پاداش تحقیق نیست. پاداش تحقیق، رسیدن به حق است. اینها احکام اسلامی است. اینها از لحاظ جمعی، عباره‌الآخراي ارتباط جامعه با خداست.

برادران! اگر این کارها را کردید، جمهوری اسلامی اسوه و الگو باقی خواهد ماند و کید دشمنان و شیاطین برای پایین آوردن جمهوری اسلامی از این مرتبه، به جایی نخواهد رسید. انقلاب اسلامی، ارایه‌ی یک الگوی جدید برای زندگی اجتماعات بشری و کشورها بود و هست و هنوز هم جدید است. اگر خوب عمل کنیم، این الگو برای جوامع بشری، شاید تا قرنهای گوی یگانه خواهد بود. دشمن و استکبار و کمپانیهای نفتخوار و سرمایه‌داران استثمارگر عالم، از همین می‌ترسند. اگر چیزی به نام اسلام باشد که به گاو و گوسفند و منافع آنها صدمه‌ی بزرگ، با آن هیچ مخالفتی ندارند. با اسلامی که نفی قدرتهای شیطانی و ظلم و تبعیض در آن نباشد، کسی مخالف نیست. آنها با اسلام "لااله الاالله" مخالفند، با اسلام حمایت از انسانها مخالفند، با اسلام مبارزه با ظلم و ستم و زورگویی و قلدری مخالفند، با اسلامی که وقتی قدرت پیدا می‌کند، دست سرمایه‌داران و زورگویان و مستشاران و مفتخوران و کرکسهای که در این مملکت، بر سر مردار سفره‌ی شاهنشاهی نشسته بودند، قطع می‌کند، مخالفند. وقتی در جمهوری اسلامی، منافعشان تهدید و قطع می‌شود، شرق و غرب دست به دست هم می‌دهند و متجاوز به ایران را مورد حمایت قرار می‌دهند.

امروز به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند که چرا عراق به کویت تجاوز کرده است. البته تجاوز، کار بسیار بدی است. آنها هم بی‌خود کردند تجاوز کردند. مجبور هم خواهند شد که از این تجاوز، عملاً اظهار پشیمانی کنند و عقب بکشند؛ در این شکی نیست. اما آیا آن کسانی که به عنوان مقابله‌ی با تجاوز و برهم‌زدن نقشه‌ی جغرافیایی منطقه، وارد منطقه شدند، راست می‌گویند و مقابل تجاوز می‌ایستند، یا برای منافع خودشان سینه می‌زنند؟! شما که امریکا هستید، شما که سرمایه‌داران بزرگ دنیا هستید و برای منافع خودتان تلاش می‌کنید، چه لزومی کرده که این ملت‌های منطقه، زجر و شکنجه‌ی حضور شما در این منطقه را بکشند؟ حضور امریکا، برای کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس و هر جایی که اینها حضور پیدا کنند، نامیمون و میثوم است. اینها در جایی امنیت نمی‌آورند، اینها



اهل مقابله‌ی با تجاوز نیستند؛ خودشان متجاوزند. مگر تجاوز به کویت، با تجاوز به گرانادا و پاناما و بقیه‌ی جاها فرق دارد؟ اگر اینها با تجاوز مخالفند، چرا اعضای دائمی شورای امنیت، در مقابل آنها این‌طور موضع‌گیری نکردند؟! چه‌طور تجاوز را امریکا بکند، خوب است؛ دیگری بکند، بد است؟! تجاوز را هر کس بکند، بد است. ما با تجاوز مخالفیم. ما آن روزی که متجاوزان عراقی داخل خاک ما بودند، سالهای متمادي گفتیم اینها متجاوزند و متجاوز باید تنبیه بشود. گفتیم اگر امروز متجاوز تنبیه نشود، در منطقه‌ی حساس خلیج فارس، تجاوز باقی خواهد ماند. آن روز چون همه‌شان علیه اسلام همدست شده بودند، کسی از ما این حرف را گوش نکرد؛ امروز به شرش گیر کرده‌اند. امروز هم من می‌گویم که دشمنی اصلی اینها با اسلام است. همه‌ی اینها حاضر و آماده‌اند، در صورتی که منافعشان ایجاب بکند، باز علیه اسلام همدست بشوند. آنچه برای اینها اهمیت دارد، بیداری و آگاهی و ایستادگی ملت‌هاست که اسلام آن را می‌دهد.

آنهایی هم که حالا یک‌شبه ضد امریکایی شده‌اند، این طرف و آن طرف راه افتاده‌اند و دم از ضدیت با امریکا می‌زنند، آنها هم مایه‌ی مسخره‌ی هوشمندان عالمند. عمری را سر سفره‌ی امریکا نشستند و برخاستند و خوردند و چریدند و با پول و تفنگ امریکا توانستند چهار صباح حکومت بکنند، حالا ناگهان دو روزه ضد امریکایی شده‌اند و می‌نشینند و پامی‌شوند و این طرف آن طرف، دم از ضدیت با امریکا می‌زنند! نخیر، ضدیت با امریکا و استکبار و قلدان را آن کسی می‌تواند ادعا بکند که با مواضع ثابت و روشن، با تجاوز و قلداری مخالف باشد. هیچ قلداری نمی‌تواند بگوید من ضد امریکا هستم. بله، قلدان همه با هم بدند. گرگ‌های بیابان وقتی گرسنه می‌شوند، همه با هم بدند. این، افتخاری نیست. شوروی و امریکا، سالهای متمادي مثل دو گرگ گرسنه در مقابل هم ایستاده بودند، به جان هم می‌افتادند و ملت‌های بیچاره را پامال می‌کردند. مگر برای شوروی که ضد امریکا بود، یا برای امریکا که ضد شوروی بود، افتخاری بود؟ افتخار، برای آن ملت و نظام و دستگاهی است که به خاطر حقیقت و صداقت و نجات انسانها و مقابله و مبارزه‌ی با ظلم و ظالم، در مقابل امریکا یا هر قدرت دیگری بایستند و آن، جمهوری اسلامی و بندگان صالح خدا و مسلمانانند و لاغیر. ملت ما، نظام جمهوری اسلامی و دولتمردان عزیز زحمتکش مؤمن ما، این مواضع را حفظ می‌کنند.

خدا را شکر می‌کنیم که امروز دولت، رئیس‌جمهور، مسؤولان، نمایندگان مجلس، کارگزاران قوه‌ی قضاییه و نیروهای مسلح ما، انسان‌های پاک و سالم و صالحی هستند. اینها یاران و مریدان و رهروان راه امامند. آن امامی که چهره‌ی باصلابتش، به یکایک انسان‌هایی که در بند بودند، امید بخشید؛ حتی حالا هم که مدت‌هاست جسم او در میان ما نیست، اما روح و یاد او الهام‌بخش است و هنوز در گوشه‌وکنار کشورهای اسلامی، وجدان‌های بیدار و آگاه، به یاد امام به هیجان می‌آیند، شعرا شعر می‌گویند، ملتها شعار می‌دهند، روشنفکران می‌نویسند و می‌گویند و پشت سر امام این ملت حرکت می‌کنند.

من وقتی به منظره‌ی آزادی اسرای عزیز و عالی‌قدرمان نگاه می‌کنم، می‌بینم که اینها مثل فولاد و کوه، استوار برگشتند و ملت که اینها را استقبال می‌کند، همان روحیه‌ی را نشان می‌دهد که در طول این ده، دوازده سال، در حساسترین مواقع نشان داده است. جوانان و رزمندگان عزیز! شماها وقتی به جبهه رفتید، این ملت همین‌طور با شور و شوق و شعار، شماها را بدرقه کرد. حالا هم که برگشته‌اید، باز با همان شور و شوق و شعار، از شما استقبال می‌کند. این ملت، ملت فوق‌العاده و بی‌نظیری است. در آگاهی و شجاعت و پایداری هم بی‌نظیر است. مواضع این ملت، مواضع مستحکمی است.

خدا را سپاسگزاریم که مسؤولان این ملت هم از خود همین ملتند و مثل آنها فکر می‌کنند، حرف می‌زنند، عمل می‌کنند و زندگی می‌نمایند. ما نگرانی نداریم و از کسی نمی‌ترسیم. ما از چه کسی بترسیم؟ "فلا تخشوه" و "واخشون". خدای متعال می‌فرماید: از هیچ قدرتی نهراسید. ملت ما از هیچ قدرتی نهراسیده است، باز هم



نمی‌هراسد و هیچ قدرتی نسبت به این انقلاب و این کشور، هیچ غلطي نمی‌تواند انجام بدهد. به حرف اول بر می‌گردم. اگر می‌خواهید همان امتی باشید که "کنتم خیر امه اخرجت للناس"، ارتباطتان را با خدا حفظ کنید. این دلها را از یاد خدا پر کنید و به محبت خدا جلا بدهید و به ذکر الهی منور نمایید. این، آن کیمیا و آن کبریت احمری است که همه چیز در مقابل آن کوچک است.

امیدواریم که خداوند متعال، ملت عزیز ما را همیشه دلشاد و سربلند بدارد. ان شاء الله خداوند بقیه‌ی آزادگان عزیز ما را هم هرچه زودتر به آغوش ملت و میهن برگرداند. امیدواریم که ان شاء الله خداوند خبرهای خوشی به خانواده‌های مفقودان عزیزمان برساند. امیدواریم که خداوند روح مطهر شهدای گرانقدر ما را - که هرچه داریم، به برکت خون مظلومانه‌ی شهیدایمان داریم - با اولیایشان محشور کند. خداوند ان شاء الله قلب مقدس ولی‌عصر را از ما خشنود کند و روح مطهر امام عزیز را از ما شاد نماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته